

## تعلیم و تربیه اردوی افغانستان توسط پاکستان، تباهی افغانستان است:

قرارخبریک سایت معتبر خبری بین المللی، افغانستان در کنفرانس که تاریخ اول نوامبر سال جاری در ترکیه به ارتباط افغانستان ترتیب شده بود توافق نامه بین افغانستان، پاکستان و ترکیه به امضاء رسیده است که طبق آن اردوی پاکستان در آموزش پولیس و اردوی افغانستان سهم میگیرد. از آن جاییکه قبلاً هم در زمان اعلحضرت ظاهر شاه اردوی افغانستان را ترکها آموزش می دادند در آن جای سوال وجود ندارد و ما از کمک ترکیه در این مورد استقبال میکنیم ولی آنچه مایه نگرانی می باشد این است که چرا پاکستان بسیار علاقمند آنست تا دسترسی در تعلیمات قوای مسلح افغانستان داشته باشد؟ و در عقب این علاقمندی چه رازهای نهفته است و چه پلان های وجود دارد که پاکستان به این طریق رسیدن به آنرا میخواهد.

سهم گرفتن اردوی پاکستان در تعلیم و تربیه پولیس و اردوی افغانستان زمینه را برای پاکستان آماده میکند که با دست باز در قوای مسلح افغانستان کار جاسوسی و زمینه های تدارک کودتاها و سقوط شهرهای مهم را فراهم کند. از آن جاییکه اردوی افغانستان شکل تنظیمی دارد و بسیاری از صاحب منصبان آن در پاکستان زندگی داشتند و هم از روابط نزدیک با آن کشور برخوردار بودند با چنین یک توافقنامه همکاری، آقای کرزی برای پاکستانی ها زمینه مداخله بیشتر جهت اجنت گذاری و تماس ها بدون ترس را آماده خواهد کرد که عواقب بسیار ناگوار به وطن ما خواهد داشت.

جانان موسی زی، سخنگوی وزارت خارجه افغانستان، روز شنبه، ۱۴ عقرب، به بی بی سی گفت که دو توافقنامه میان وزرای داخله و لوی درستی های سه کشور امضاء شده است.

او همچنین افزود که براساس این توافقنامه ها، پس از این نیروهای پولیس و اردوی سه کشور مانور های مشترک نظامی اجراء خواهند کرد و در مورد آموزش نیروهای یکدیگر همکاری خواهند کرد.

سخنگوی وزارت خارجه افغانستان گفت که در حاشیه ششمین اجلاس سران سه کشور در اول نوامبر در استانبول سند همکاری میان مقامهای امنیتی این کشورها امضاء شد.

آقای موسی زی افزود: «یکی از این پروتوکلهای بین وزرای داخله سه کشور در مورد همکاریهای پولیس و آموزش مشترک پولیس امضاء شد و پروتوکل دومی از سوی لوی درستی های قوای مسلح سه کشور در رابطه با افزایش همکاریهای امنیتی و همکاری بین نیروهای مسلح هر سه کشور به امضا رسید».

او همچنین گفت: «در مورد جزئیات این پروتوکلهای برنامه های عملی که در چهارچوب این پروتوکلهای طرح ریزی می شوند، مقامهای باصلاحیت پولیس و اردوی سه کشور کار می کنند».

این توافقنامه درست زمان امضاء میگرد که یکماه قبل معاهده ستراتژیک بین افغانستان و هند به امضاء رسید، یقیناً که پرارزشترین سند جهت حفظ منافع افغانستان بوده میتواند که باهند امضاء شده است. و کشور هندوستان در طول تاریخ یکی از بهترین دوستان افغانستان بود که همیشه کمکهای سخاوتمندانه و بی غرض نموده است. این روابط، پاکستانی هارا واداشت که عکس العمل های از خود نشان دهند. چنانچه پرویز مشرف رئیس جمهوری اسبق پاکستان که یک شخص نظامی و در اردوی پاکستان دست بالا دارد بتاريخ ۲۶ اکتوبر سال جاری در واشنگتن گفت که «که رقیب دیرینه کشورش هندوستان تلاش می کند که افغانستان را به کشوری علیه پاکستان تبدیل کند. مشرف در سخنرانی خود در بنیاد کارنگی برای صلح بین المللی در واشنگتن افزود:

« از زمان استقلال ما، افغانستان همیشه ضد پاکستان بوده است، چون که اتحاد جماهیر شوروی سابق و هندوستان روابط بسیار خوبی با افغانستان داشته اند.» این گفته مشرف همان ضرب المثل را به یاد میآورد که گفته است « بگیریش که نگیری».

مشرف در ادامه گفتار خود تأکید کرد: « ما نباید به این اجازه دهیم... و اگر پاکستان به «آی اس آی» دستور بدهد که برای حفاظت از منافع خودش دست به اقدامات متقابل بزند، ما نباید غصه بخوریم.» ببینید که جنرال مشرف با چه جرأت و شهامت می افزاید: «در صورتی که نیروهای خارجی افغانستان را ترک کنند و این کشور به هندوستان نزدیک شود، تأثیراتی بر پاکستان خواهد داشت و به این دلیل، «هر رهبری در پاکستان باید در مورد حفظ منافع کشورش فکر کند و از اوضاع نا آرام افغانستان به نفع خودش استفاده کند.»

عقب نشینی دولت افغانستان تا سرحد که کشوری را اجازه میدهد، که تا امروز یعنی از زمان پیدایش تا به حال به افغانستان جنگ و تباهی چیزی به ارمغان نیاورده است. آنهائیکه گلوپاره میکنند فریاد میزنند که پاکستان در زمان اشغال شوروی دوملیون افغان را مهمان نوازی کرد و در وطن خود جاداد، مگر کمی هم اندیشیده اند که پاکستان این همه کمکها را بخاطر تباهی افغانستان بخاطر آن انجام داد که منافع خود را بیشتر در آن میدید و از خداوند منتظر چنین فرصت طلائی بود. آنهائیکه در روزهای اول مهاجرت به پاکستان در زمان مرحوم داوودخان رفتند و از همان روز بر علیه افغانستان مسلح و جهت برپادی کشورشان دوباره اعزام شدند، پاکستان را دیده بودند که چه داشت و چه نداشت جزیک کشور ویران و فقیر بود که از کمکهای سرشار که به مهاجرین افغان سرازیر شد به جنت مبدل گردید، مگر پاکستان در همین زمان مهاجرت افغانها صاحب بمب اتوم نشد؟ که شد، ولی برعکس به همین تنظیم ها امر ویرانی افغانستان رانمی دادند؟ که میدادند، امر ویرانی بندبرق نغلو و سروبی راصادر نکرده بودند؟ البته که صادر کرده بودند، ولی بعد از به قدرت رسیدن تنظیم ها در اعمار افغانستان چه کار مفید را پاکستان انجام داد، هیچ کس نمیتواند یک نمونه کوچک از آنرا مثال دهد جز جنگهای تنظمی و قومی راب ه راه انداخته و افغانستان را به خاکستر مبدل کردند، که در مورد جنایات پاکستان مقاله ها و کتب بی شماری نشر شده است که از این جنایات پرده می بر میدارد.

افغانستان با کدام اعتماد و به قوت کدام ارگان قوی امنیتی خود دست به چنین اقدام زد، که میتواند اوضاع را به نفع پاکستان جهت رخنه های بیشتر در قوای مسلح ما آماده کند. هیچ سود دیگری از آنرا آقای کرزی نخواهد دید، جهت اعتمادسازی لازم بود که برای امضاء چنین توافقنامه، پاکستان اخلاص خود را جهت تحکیم صلح در افغانستان نشان میداد و گامهای عملی میبرد داشت تا به مردم و حکومت افغانستان ثابت میشد که پاکستان واقعا راهی صلح را در پیش گرفته و دیگر مشکل ایجاد نمی کند، در آنصورت با فکر و دقت تصامیم جهت تحکیم روابط دوستانه و اعتمادسازی بیشتر برداشته میشد. به نظر من این توافقنامه باید مجدداً مورد ارزیابی قرارگیرد و به شرایط مربوط شود تا پاکستان خود را نیز عملاً آماده کند. در ظرف سی سال پاکستان هیچ گونه عقب گرد از ستراتیژی تدوین شده خود در قبال افغانستان را نداشته است، ولی آقای کرزی همیشه این کشور را برادر گفته و برعکس آنها را کتها به خاک ما پرتاب کرده و یا جنایات دیگری را انجام داده اند، که گفتار جنرال مشرف بهترین نمونه آن است. صلح را نمیتوان گدائی کرد باید جهت آوردن صلح تدابیری اتخاذ کرد که جانب مقابل هم نیاز برای آنرا ضرورت اصلی خود بشمارد، در غیر این صورت افغانستان باید بهای بزرگی را بپردازد.

پایان